

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه  
سال ششم، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۵ هـ ش / ۱۴۳۸ هـ ق / ۲۰۱۶ م، صص ۶۹-۸۳

## بررسی تطبیقی تأثیر گذاری مضامین تعلیمی نهج البلاغه در کلام سعدی و فرطوسی<sup>۱</sup>

علیرضا شهرستانی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، ایران

حمید رضا زهره‌ای<sup>۳</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، ایران

حجت‌اله عسگری کاشانتویی<sup>۴</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، ایران

### چکیده

سعدی و فرطوسی از جمله ادیبانی هستند که میزان تأثیرپذیریشان از نهج البلاغه قابل تأمل است. تا آنجا که می‌توان گفت: بعد از قرآن کریم، نهج البلاغه مهم‌ترین الگوی محتوایی و مضمونی اندیشه ایشان بوده است. در این جستار، آثار سعدی و فرطوسی مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که سعدی و فرطوسی در آثار خود از سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه بهره‌های اخلاقی و حکمی فراوان برده‌اند و از این راه، مضمون و محتوای کلام خویش را غنی‌تر نموده‌اند. این تأثیرپذیری، غالباً از نوع مستقیم بوده و پیدایی یا اثبات آن نیاز چندانی به توجیه یا تردید و تأویل ندارد؛ البته، شایان ذکر است که تأثیرپذیری مستقیم در شعر فرطوسی بیش از شعر و نثر سعدی است؛ زیرا نوآوری سعدی در خلق مضمون‌های جدید و پیوند میان حکمت‌های علوی و حکایت‌های حاصل از سفر و تجربه و دانش با لطافت و پوششی نوین همراه است، در حالی که فرطوسی بیشتر به نظم در آوردن سخنان امام علی (ع) بسنده نموده است.

**واژگان کلیدی:** ادبیات تعلیمی، مضامین اخلاقی، نهج البلاغه، فرطوسی، سعدی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۹

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۱

۲. رایانامه نویسنده مسئول: alireza.shahrestany@gmail.com

۳. رایانامه: hamidzohrei@yahoo.com

۴. رایانامه: asgari.hojjat64@yahoo.com

## ۱. پیشگفتار

### ۱-۱. تعریف موضوع

در یک نگاه کلی، متن‌های تأثیرگذار و اندیشه‌های ماندگار، آفرینش‌های ثانوی را پس از خود به دنبال دارند. *نهج البلاغه* که زاینده اندیشه امام علی (ع) است، مملو از اندیشه انسان‌ساز و نیت‌های بزرگ و انسانی است. بسیاری از اندیشمندان و شاعران، تحت تأثیر نکته‌بینی‌ها، خوش‌فکری‌ها و جهان‌نگری خاص آن بوده‌اند. از شاعرانی که به شدت اندیشه‌های امام علی (ع) بر او کارگر افتاده است، شیخ عبدالمنعم فرطوسی شاعر عرب است که در سال (۱۹۱۳ میلادی) در روستای رقصه در جنوب عراق، دیده به جهان گشوده است. این شاعر مسلمان، در نجف با محیط دینی آشنا شد و در دامن اندیشه‌های انسان‌ساز اسلام رشد کرد. اندیشه‌های امام علی (ع) چنان ذهن این شاعر را به خویش مشغول کرده که در اشعار خود موسوم به «ملحمه» بسیاری از اندیشه‌های ایشان را به نظم کشیده است. اشعار این ملحمه، در ۲۰۴۲۸ بیت سروده شده است و جای جای آن در اندیشه‌های امام علی (ع) را در عبارات خویش گنجانده است؛ به‌ویژه پند و موعظه‌های امام علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) را دست‌مایه هنرنمایی خود نموده است. حال نگارندگان با توجه به تأثیرپذیری این شاعر متعهد از *نهج البلاغه*، در صدد آن بوده‌اند تا این تأثیرپذیری را در این جستار نشان دهند و همسویی‌های این اندیشه‌ها را با اندیشه سعدی نیز بسنجند، هرچند سخن گفتن درباره تأثیرپذیری سعدی از *نهج البلاغه*، مسئله‌ای تازه نیست.

### ۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن نظر است که بازخوانی چگونگی تأثیرپذیری *نهج البلاغه* در ادب عربی و فارسی، ما را به میزان و ژرفای هنرنمایی ادیبان در بهره‌گیری از *نهج البلاغه* آگاه می‌سازد. هدف اصلی پژوهشگران نیز بررسی و تحلیل این تأثیرگذاری است.

### ۱-۳. پرسش پژوهش

بازتاب تأثیرگذاری *نهج البلاغه* در سخن سعدی<sup>(۱)</sup> و فرطوسی<sup>(۲)</sup> چگونه است؟

### ۱-۴. پیشینه پژوهش

به دلیل اهمیت تأثیر متون دینی در آثار ادبی، در این زمینه پژوهش‌های فراوانی انجام شده است که در آن‌ها از انواع این تأثیرپذیری و کارکردهای گوناگون آن سخن به میان آمده است. معرفی و پرداختن به همه آن‌ها مجال فراخ‌تر می‌طلبد. در این میان، می‌توان از مقاله‌ای که طهماسبی (۱۳۹۱) در این باره نگاشته

است، یاد کرد. ایشان در این پژوهش، برخی از مضامین اخلاقی و تعلیمی بوستان سعدی را با همان مضامین در نهج البلاغه مقایسه کرده و در پایان به این نتیجه رسیده است که سعدی در ترسیم بسیاری از آموزه‌های اخلاقی، حکمی و تعلیمی خود در بوستان، به نهج البلاغه توجه خاصی داشته است؛ دامنه این تأثیرپذیری بسیار گسترده است و اشتراکات فراوانی بین بوستان و نهج البلاغه وجود دارد تا جایی که این شباهت‌ها خواننده را شگفت‌زده می‌کند و جا دارد که بررسی بیشتری در این زمینه انجام پذیرد (ر.ک: همان: ۲۱۶).

فسنقری و دیگران (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای به بررسی گونه‌های تناص یا هم‌متنی در بوستان و گلستان با تکیه بر شیوه‌های اثرپذیری از نهج البلاغه پرداخته‌اند. نگارندگان پژوهش مذکور، پس از روشن ساختن مفهوم بنیادین تناص و نشان دادن حد و مرز آن، اذعان کرده‌اند که بسیاری از آثار حکمی موجود در ادب فارسی به دور از تأثیر روح و مضمون اندیشه‌های تربیتی، اجتماعی و فرهنگی موجود در نهج البلاغه نیستند. آنان در پایان ابراز می‌دارند که گونه‌ها و شیوه‌های اثرپذیری سعدی از نهج البلاغه بسیار جامع است و حکایت از احاطه و هنرنمایی سعدی در این گستره دارد؛ ممکن است تناص در آثار سعدی گونه‌های بیشتری داشته باشد که لزوم توجه پژوهندگان را طلبیده و پژوهشی پیشنهادی به شمار می‌آید (ر.ک: همان: ۱۵۹).

ابراهیم (۱۴۱۸) نیز درباره شیوه اثرپذیری سعدی از نهج البلاغه، پژوهش ارزشمندی در قالب کتاب انجام داده و روش‌های مختلف این اثرپذیری را آشکار کرده است. ملکی (۱۳۸۹) تحقیقی در این راستا در قالب پایان‌نامه با عنوان «موعظه‌ها و حکومت امام علی (ع) از منظر عبدالمنعم فرطوسی با تکیه بر ملحمه ایشان» انجام داده که در این پژوهش، پندها و موعظه‌های امام علی (ع) به فرزندان و یارانش و همین‌طور توصیه‌های ایشان در رابطه با نحوه صحیح حکومت‌داری را با تکیه بر اشعار عبدالمنعم فرطوسی مورد تحلیل و بررسی قرار داده که در این پژوهش از این منبع نیز استفاده شده است. اژیبه و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان «تلمیح و تضمین‌های سعدی از نهج البلاغه» نگاشته‌اند که در آن چند نمونه از تلمیحات سعدی از نهج البلاغه را با توضیح مختصر ذکر نموده است.

#### ۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

در این جستار، ابتدا کلام امام علی (ع) حسب موضوعات اخلاقی و تعلیمی، ذکر شده و سپس ترجمه در ادامه هر بخش، شعر فرطوسی و سعدی را آورده‌ایم. چارچوب نظری آن نیز بر بنیاد مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی استوار است که عنصر تأثیرپذیری، مهم‌ترین مشخصه آن است.

## ۲. پردازش تحلیلی موضوع

### ۲-۱. مضامین مشترک نهج البلاغه و آثار سعدی و فرطوسی

تکرار بسیاری از مضامین نهج البلاغه در آثار سعدی و فرطوسی موجب شده است که این مفاهیم و آموزه‌ها بار دیگر در لباس آراسته نظم ظاهر شوند. مضامین مشترک اخلاقی، تعلیمی و حکمی در نهج البلاغه و آثار سعدی و فرطوسی بسیار به هم شبیه هستند تا جایی که مخاطب را به شگفتی وامی‌دارد و این شباهت‌ها، نشانه نزدیکی فکر و اندیشه این دو شاعر به اندیشه ناب اسلامی و فکری امام علی (ع) در نهج البلاغه است. می‌توان چنین ادعان کرد که اندیشه امام علی (ع) در ذهن و زبان شیخ شیراز و فرطوسی تأثیر عمیقی داشته است تا آنجا که شاید کمتر شاعر یا نویسنده‌ای با این عمق و گستردگی، به اثر گرانقدر امیرالمؤمنین راه برده و اشتراک اندیشه خود را با آن، این چنین هنرمندانه به تصویر کشیده است. نکته شایان توجه این است که سعدی و فرطوسی در عین رویکرد به اندیشه و هنر امام علی (ع)، تشخص سبکی خویش را نیز حفظ کرده‌اند و فکر امام (ع) را نیز در کلام خویش تزریق نموده‌اند و به آن جان بخشیده‌اند.

ذکر این نکته نیز لازم است که جنبه‌های مشترک فراوانی میان نهج البلاغه و آثار سعدی و فرطوسی وجود دارد که ذکر همه آن‌ها در این مجال اندک امکان‌پذیر نیست و موارد یادشده در این جستار گزیده‌ای از مشترکات و برجسته‌های فکری ایشان است.

### ۲-۱-۱. اهمیت سکوت

زبان، ساده‌ترین وسیله‌ای است که در اختیار انسان قرار دارد، افزون بر این، سرعت عمل آن با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست و به همین سبب، باید به شدت مراقب آن بود. باید گفت: همان‌گونه که هیچ عبادتی نزد خداوند برتر از سخن حق نیست، هیچ گناهی بالاتر از سخن باطل نیست. به این نکته هم باید توجه داشت، همان‌طور که بیشتر گناهان با زبان انجام می‌شود، قسمت مهمی از عبادات و اعمال نیک از قیال ذکر خدا، ارشاد مردم، تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، با سخن گفتن و زبان انجام می‌شود (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۷۹). نظر به اینکه تا انسان سخن نگوید عیب و هنر او آشکار نمی‌شود و نیز با توجه به معایب پرگویی، غالباً در فرهنگ دینی و آثار بزرگان دین و معرفت، به سکوت سفارش فراوان شده است:

وَتَلَا فَيْكَ مَا فَرَطَ مِنْ صَمْتِكَ أَيْسَرُ مِنْ إِدْرَاكَكَ مَا فَاتَتْ مِنْ مَنْطِقِكَ، وَحِفْظُ مَا فِي الْوَعَاءِ بِشَدِّ الْوَكَاءِ، وَحِفْظُ مَا فِي يَدَيْكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَلَبِ مَا فِي يَدَيْ غَيْرِكَ. وَمَرَارَةُ الْيَأْسِ خَيْرٌ مِنَ الطَّلَبِ إِلَى النَّاسِ (ن/ ۳۱؛ نیز ر.ک: ح/ ۳۸۲).

(ترجمه: آنچه با سکوت از دست می‌دهی آسان‌تر از آن است که با سخن از دست برود؛ چراکه نگهداری آنچه در مشت است با محکم بستن دهانه آن امکان‌پذیر است و نگهداری آنچه در دست داری پیش من بهتر است از آن چیزی که از دیگران بخواهی.) (دستی، ۱۳۸۴: ۳۸۱)

فرطوسی، شاعر عرب، این جملات نهج البلاغه را به نظم درآورده است:

- |  |  |
|--|--|
| ۱. هُوَ أَدْنَى نَيْلًا وَأَيْسَرُ مِمَّا    | فَاتَ بِالنُّطْقِ عِنْدَ وَقْتِ الْأَدَاءِ |
| ۲. حَفِظْتُ مَا فِي الْوَعَاءِ دُونَ ضِيَاعِ | وَذَهَابِ لَهُ بِشَدِّ الْوَكَاةِ          |
| ۳. حَفِظْتُ مَا فِي يَدِكَ أَفْضَلَ مِمَّا   | فِي يَدِ الْغَيْرِ تَبْتَعِي مِنْ عَطَاءِ  |
| ۴. وَبِعِزِّ مَرَارَةِ الْيَأْسِ خَيْرٌ مِنْ | سُؤَالِ لِلتَّاسِ دُونَ إِبَاءِ            |

(۱۹۸۷: ۱۸۵)

(ترجمه: ۱. آنچه با سکوت در هنگام ادا از دست می‌دهی، رسیدن به آن نزدیک‌تر و آسان‌تر است. ۲. چراکه نگهداری آنچه در مشک است بدون از دست رفتن آن با محکم بستن دهانه آن امکان‌پذیر است. ۳. و نگهداری آنچه در دست توست، پیش من بهتر از بخششی که از دست دیگران طلب کنی. ۴. و تلخی نومی‌دی بهتر است از درخواست از مردم بدون ابا و ترس.)

سعدی نیز در باب چهارم گلستان در فوائد خاموشی و اهمیّت سکوت، چندین حکایت نغز آورده است:

**حکایت ۱:** «یکی را از دوستان گفتم امتناع سخن گفتنم به علت آن اختیار آمده است در غالب اوقات که در سخن نیک و بد اتفاق افتد و دیده دشمنان جز بر بدی نمی‌آید گفت دشمن آن به که نیکی نیند.» (۱۳۸۱: ۱۲۸)

**حکایت ۲:** «بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد پسر را گفت: نباید که این سخن با کسی در میان نهی. گفت ای پدر! فرمان تراست، نگویم و لکن خواهم مرا بر فایده این مطلع گردانی که مصلحت در نهان داشتن چیست؟ گفت تا مصیبت دو نشود: یکی نقصان مایه و دیگر شماتت همسایه.» (همان)

- |                            |                              |
|----------------------------|------------------------------|
| مزن تا توانی به گفتار دم   | نکو گو اگر دیر گویی چه غم    |
| بیندیش و آنگه برآور نفس    | وز آن پیش بس کن که گویند بس  |
| فراوان سخن باشد آکنده گوش  | نصیحت نگیرد مگر در خموش      |
| تو را خاموشی ای خداوند هوش | وقار است و نااهل را پرده‌پوش |

(همان: ۱۸۹)

## ۲-۱-۲. مشورت با زنان

از آنجا که هدف از مشورت، رسیدن به بهترین راه‌ها و گزینش برترین راهکارهای اجرایی است، آموزه‌های دینی شرایط و شاخص‌های دقیقی چون ایمان، خردمندی، تخصص و دانایی، خیرخواهی، پختگی، دلسوزی و... را برای انتخاب مشاور معرفی نموده است. اموری مانند بخل، ترس و حرص از موانع و آسیب‌های مشورت قلمداد شده است و لذا امام علی (ع) می‌فرماید:

وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْذِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعْذُكَ الْفَقْرَ، وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَلَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجُورِ، فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحَرِيصَ عَزَائِرُ شَقِيٍّ يَجْمَعُهَا سُوءُ الطَّبَعِ بِاللَّهِ (ن/ ۵۳).

(ترجمه: با فرد بخیل، ترسو و حریص مشورت نکن، زیرا در هر یک از آنان نقطه‌ضعفی وجود دارد که مانع از نیل به حقیقت می‌شوند.) (دستی، ۱۳۸۴: ۴۰۷)

پرهیز از مشورت با زنان در کلام امیرالمؤمنین (ع) اشاره به همین جنبه روان‌شناسانه دارد؛ چراکه در چهار مورد از پنج هیجان اساسی (شادی، عشق، ترس، اندوه و خشم) زنان هیجان‌های شدیدتر و فراوان‌تری دارند تا مردان و آن هیجان مورد استثنا - که مردان بر زنان پیشی می‌گیرند - خشم است. زنان هیجان‌های ظریف (شادی، عشق، ترس و اندوه) را با شدت و فراوانی بیشتری تجربه می‌کنند:

وَإِيَّاكَ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ، وَعَزْمُهُنَّ إِلَى وَهْنٍ (ن/ ۳۱).

(ترجمه: در امور سیاسی کشور از مشورت با زنان پرهیز که رأی آنان زود سست می‌شود.) (دستی، ۱۳۸۴: ۳۸۳)

چگونگی تعامل با زنان از موضوعاتی است که امام علی (ع) به آن پرداخته و به تبع آن فرطوسی آن را به نظم کشیده و این مضمون در کلام سعدی نیز به کار برده شده است.  
فرطوسی:

۱. لَا تَمْلِكُ مِنْهُنَّ امْرَأَةٌ أَمْرًا مَا عَدَا أَمْرَ نَفْسِهَا فِي الْقَضَاءِ

۲. فَهِيَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانِهِ لَكِنْ هِيَ زَيْكَانَةٌ يَجْعَلُ الْوَلَاءَ

(۱۹۷۸: ۱۹۰)

(ترجمه: ۱. کاری که بالاتر از توانایی زنان است به او محول نکن؛ ۲. زیرا او پهلوان نیست، بلکه او گل بهاری در مزرعه مهربانی است.)

و سعدی نیز در گلستان در این مضمون آورده است که: «مشورت با زنان تباهست و سخاوت با مفسدان

گناه.» (۱۳۸۹: ۱۸۰)

### ۲-۱-۳. پیروی از پیامبر

خداوند متعال، به موازات تمجید از اخلاق نیکوی پیامبر و بیان عصمت آن حضرت، مؤمنان را به پیروی مطلق و بی چون و چرا از کردار و گفتار فرستاده خویش فرمان می‌دهد تا جایی که اطاعت و پیروی از پیامبر (ص) را عین اطاعت از خود خوانده و نافرمانی و معصیت از دستور رسولش را سرپیچی از فرمان خود می‌خواند (ر.ک: حشر / ۷).

امام علی (ع) در باب این ولایت‌پذیری از سنت و سیره رسول گرامی اسلام، چنین فرموده است:  
وَاعْلَمُ يَا بُيَّيُّ أَنْ أَحَدًا لَمْ يُنْبِئْ عَنِّي اللَّهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَنْبَأَ عَنْهُ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَارْضَ بِهِ رَائِدًا، وَإِلَى النَّجَاةِ قَائِدًا (ن / ۳۱).

(ترجمه: پسر من! آگاه باش احدی از وجود خداوند چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله - خبر داده خبر نداده است، پس به پیشوایی آن حضرت راضی باش و برای رسیدن به منزل نجات رهبری‌اش را بپذیر.) (دشتی، ۱۳۸۴: ۳۷۵)

فرطوسی در نظم همین مضمون چنین سروده است:

۱. وَتَبَصَّرْ فَلَا أَرَى قَطُّ عَنْهُ  
مُنْبِئًا مِثْلَ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ  
۲. فَتَتَّبِعْهُ رَائِدًا وَاتَّخِذْهُ  
قَاعِيدًا لِلرَّشَادِ وَالْإِهْتِدَاءِ  
۳. فَاعْتَبِرْ بِالْعِظَاتِ خَيْرَ اعْتِبَارٍ  
وَكَفِّرْ مِنْهَا بِخَيْرٍ وَقَاءِ

(۱۹۷۸: ۱۷۸)

(ترجمه: ۱. اندیشه کن که هرگز آگاهی‌دهنده‌ای مانند خاتم انبیاء نمی‌یابم. ۲. از رهبری او پیروی کن، او را برای نصیحت و هدایت، پیشوا قرار بده. ۳. از پندهایش بهترین پندها را عبرت بگیر و با احتیاط بر آن‌ها بر حذر باش.)  
سعدی در مقدمه بوستان، سعادت، هدایت و نیک‌بختی را در پیروی از پیامبر مهربانی می‌داند و گمراهی و ضلالت را سر برتافتن از فرمان او می‌داند:

کسانی کزین راه برگشته‌اند  
برفتند بسیار و سرگشته‌اند  
خلاف پیامبر کسی ره گزید  
که هرگز به منزل نخواهد رسید  
مپندار سعدی که راه صفا  
توان رفت جز در پی مصطفی

(۱۳۸۱: ۳۵)

### ۲-۱-۴. دل بستن به دنیا (ناپایداری دنیا)

حکیمان و دانشمندان دیندار، همواره بر فانی بودن جهان مادی و باقی بودن دنیای دیگر تأکید ورزیده‌اند. هر چند آن‌ها از نعمت‌های این دنیا استفاده کرده‌اند، اما از آنجا که آن را فریبنده می‌دانسته‌اند، بشر را از

خطرات آن بر حذر داشته‌اند.

نگریستن به کار جهان و دل نیستن به دنیای ناپایدار از مضامین کلام امام علی (ع) است:

فَإِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ عَاوِيَةٌ، وَسِبَاعٌ صَارِيَةٌ (ن/ ۳۱).

(ترجمه: همانا دنیاپرستان چونان سگ‌های درنده، عوعوکنان، برای دریدن صید در شتابند.) (دشتی، ۱۳۸۴: ۱۸۳)

فرطوسی نیز در همین مضمون چنین سروده است:

۱. إِنَّ رَبَّ الْعِبَادِ نَبَأٌ عَنْهَا  
أَهْلُهَا دَارُ فِتْنَةٍ وَإِبْتِلَاءِ  
۲. وَهِيَ بِالْعَدْرِ لَلْمُتَّقِينَ فِيهَا  
نَعَتَتْ نَفْسَهَا بَعِيرٍ وَفَاءِ  
۳. إِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ تَعَاوَتْ  
وَسِبَاعٌ تَضْرِي أَشَدَّ ضِرَاءِ

(۱۸۳: ۱۹۷۸)

(ترجمه: ۱. به درستی که پروردگار آدمیان خبر می‌دهد که دنیا، دار فتنه و بلا است. ۲. دنیا برای ساکنانش همراه با خیانت است و دنیا خود را بی‌وفا توصیف کرده. ۳. همانا اهل دنیا سگ‌هایی هستند که پارس می‌کنند و حیوانات درنده‌ای که برای دریدن صید در شتابند.)

سعدی:

دانی که بر نگین سلیمان چه نقش بود / دل در جهان مبند که با کس وفا نکرد

(۸۱۹: ۱۳۸۹)

۲-۱-۵. نفس اماره

از مضمون‌هایی که به فراوانی در سخن امام علی (ع) مورد تأکید قرار گرفته است، مبارزه با نفس و دوری از رذیلت‌هاست:

وَأَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ ذَنْبَةٍ وَإِنْ سَاقَنَكَ إِلَى الرَّغَائِبِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَغْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا (ن/ ۳۱).

(ترجمه: نفس خود را از هرگونه پستی بازدار، هرچند تو را به اهداف رساند؛ زیرا نمی‌توان به اندازه آبرویی که از

دست می‌دهی بهایی به دست آوری.) (دشتی، ۱۳۸۴: ۱۸۴)

فرطوسی:

أَكْرَمِ النَّفْسِ عَنِ ذَنْبَةٍ فِعْلٍ / لَكَ سَاقِبَ رَغَائِبِ الْأَهْوَاءِ

(۱۸۵: ۱۹۷۸)

(ترجمه: نفس خود را از هر بدی بازدار، هرچند تو را به آرزوهایت سوق دهد.)

سعدی:



کند مرد را نفس اماره خوار اگر هوشمندی عزیزش مدار

(۳۳۵: ۱۳۸۹)

حذر از پیروی نفس که در راه خدای مردافکن که در این غول بیابانی نیست

(همان: ۷۰۸)

## ۲-۱-۶. علم و حکمت

کسب دانش و حکمت در اندیشه اسلامی یک فضیلت است. سراسر نهج البلاغه، سرشار از دعوت مخاطبان به کسب معرفت و حکمت است:

وَقَوِّهِ بِالْيَقِينِ، وَنَوِّرْهُ بِالْحِكْمَةِ (ن/ ۳۱).

(ترجمه: جان را با یقین نیرومند کن و با نور حکمت روشنایی بخش). (دستی، ۱۳۸۴: ۳۷۱)

وَأَبْدَأْ قَبْلَ نَظَرِكَ فِي ذَلِكَ بِالِاسْتِعَانَةِ بِالْهِلْكَ، وَالرَّغْبَةِ إِلَيْهِ فِي تَوْفِيقِكَ، وَتَرْكِ كُلِّ شَائِبَةٍ أُوجِثَتْ فِي شِبْهِهِ، أَوْ أَسْلَمْتَنِكَ إِلَى صَلَاةٍ (ن/ ۳۱).

(ترجمه: و پیش از قدم نهادن در راه فهم و دانش برای شناخت آن راه، از خداوند یاری بخواه و برای به دست آوردن توفیق، روی رغبت به جانب او کن و هرچه را که تو را به اشتباه اندازد، یا به گمراهی کشاند رها ساز). (دستی، ۱۳۸۴: ۳۷۳)

فرطوسی در همین مضمون چنین آورده است:

وَتَفَقَّهَ فِي الدِّينِ عِلْمًا وَأَخْلَصَ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ دُونَ رِيَاءٍ

(۱۹۷۸: ۱۷۵)

(ترجمه: در دین، علم را جستجو کن و در همه امور بدون ریا خالص باش).

سعدی:

چو شمع از پی علم باید گذاخت که بی علم نتوان خدا را شناخت

(۱۳۸۹: ۱۰۷)

## ۲-۱-۷. روش تربیت فرزند

تربیت فرزند به معنای فراهم آوردن مقدمات لازم برای به فعلیت رسیدن قوای او در راه تقرب به خداوند است. این عمل، نیازمند آگاهی و تمرین عملی است. اگر پدر و مادر در جهت انتقال عقاید صحیح و ایجاد رفتار درست در فرزند خود کوشا باشند، خیر او را فراهم کرده‌اند و خداوند بر آنان رحمت خواهد نمود. درباره عقیده صحیح و انتقال آن به فرزندان، تکلیف بزرگی بر عهده والدین گذاشته شده است؛ زیرا تأثیر

عقایدی که در خانواده رواج دارد و به فرزند القاء می‌شود در آینده او غیر قابل انکار است. عمل تربیتی در خانواده به منزله پاسداری از فطرت توحیدی فرزند است. این پاسداری، یک وظیفه بزرگ تربیتی و اخلاقی است که عمل به آن مهم‌ترین کارکرد خانواده را فعلیت می‌بخشد.

این موضوع، در کلام امام علی (ع) این‌گونه بیان شده است:

وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ. فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ، وَيَسْتَعْلِبُ نَبْكَ (ن/ ۳۱).

(ترجمه: قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت

تو شتاب کردم پیش از اینکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد.) (دشتی، ۱۳۸۴: ۳۷۳)

فرطوسی:

- |   |  |
|---|--|
| ۱. إِنَّ قَلْبَ الْوَلِيدِ كَالْأَرْضِ ظِيماً | حِينَ تَخْلُو كَالصَّفْحَةِ الْبَيْضَاءِ |
| ۲. تَتَلَقَّى مَا كَانَ أُلْقِيَ فِيهَا       | بِقُبُولٍ فِي سَاعَةِ الْإِتْقَاءِ       |
| ۳. وَأَنَا نَاصِحٌ كَفَيْتُكَ عِلْماً         | كُلْفَةَ الْإِخْتِيَارِ وَالْإِبْتِلَاءِ |
| ۴. وَأَدَاءِ الطَّاعَاتِ لِلْعَبْدِ مِمَّا    | فَرَضَ اللَّهُ فِي أُمَّمٍ آدَاءِ        |

(۱۹۷۸: ۱۷۶)

(ترجمه: ۱. قلب فرزند همچون زمینی پاک است هنگامی که مثل صفحه‌ای سفید، خالی است. ۲. زیرا قلب نوجوانان آماده پذیرش هر درخواستی است که در هنگام دیدار به او داده می‌شود. ۳. من نصیحت‌کننده‌ای هستم که علمم هنگام رنج و سختی آزمایش تو را کفایت می‌کند. ۴. و ادای واجبات با کامل‌ترین شیوه که خداوند برای بندگان تکلیف قرار داده است.)

سعدی:

هر که در خردیش ادب نکنند در بزرگی فلاح ازو برخاست  
چوب تر را چنانکه خواهی پیچ نشود چوب خشک جز به آتش راست

(۱۳۸۹: ۹۵)

چو خواهی که نامت بماند به جای پسر را خردمندی آموز و رای  
که گر عقل و رایش نباشد بسی بمیری و از تو نماند بسی

(همان: ۲۵۵)

## ۸-۱-۲ مرگ اندیشی

بی‌گمان، مرگ رازناک‌ترین و مهم‌ترین رویداد زندگی هر انسان است و همواره فکر او را به خود مشغول

داشته است. در جهان هستی از آغاز تا کنون، هیچ پرسشی جدی‌تر از چیستی مرگ و فرجام کار انسان مطرح نبوده و نیست و هیچ رویدادی چون مرگ، ذهن و ضمیر آدمیان را به خود مشغول نکرده است. از این رو، همه ادیان و مکاتب از آغاز تا کنون، در تلاش بوده‌اند تا راه‌حلی برای کاهش هول و هراس ناشی از مرگ و رازگشایی از آن بیابند و فرجام کار انسان را در پایان زندگی و جهان پسین نشان دهند. در طول تاریخ، انسان‌ها برای فرار از مرگ یا غلبه بر این پدیده، راه‌های گوناگونی پیمودند و شیوه‌های متفاوتی برگزیدند.

امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه و خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (ع)، حقیقت مرگ، پذیرش آن، مرگ‌اندیشی و دیگر مسائل مربوط به آن را این گونه بیان نموده است:

وَأَعْلَمُ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا، وَلِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ، وَالْمَمُوتُ لَا لِلْحَيَاةِ؛ وَأَنْتَ فِي مَنَزِلٍ قُلْعَةٍ وَدَارِ بُلْعَةٍ، وَطَرِيقٍ إِلَى الْآخِرَةِ، وَأَنْتَ طَرِيقُ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبُهُ، وَلَا يَقْوَاهُ طَائِبُهُ وَلَا يَدُّهُ أَنْهُ مُدْرِكُهُ، فَكُنْ مِنْهُ عَلَى حَذَرٍ أَنْ يُدْرِكَكَ وَأَنْتَ عَلَى حَالٍ سَيِّئَةٍ قَدْ كُنْتَ تُحَدِّثُ نَفْسَكَ مِنْهَا بِالتَّوْبَةِ فَبِحَوْلِ بَيْتِكَ وَبَيْنَ ذَلِكَ، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ أَهْلَكْتَ نَفْسَكَ. يَا بُنَيَّ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ، وَذَكَرَ مَا تَحْتَجُّمُ عَلَيْهِ، وَتُفَضِّي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ، حَتَّى يَأْتِيكَ وَقَدْ أَخَذْتَ مِنْهُ حَذْرَكَ، وَشَدَدْتَ لَهُ أَرْزَكَ، وَلَا يَأْتِيكَ بَعْتُهُ فَيَهْرَكَ. وَإِيَّاكَ أَنْ تَعْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا، وَتَكَالِبِهِمْ عَلَيْهَا، فَقَدْ نَبَأَكَ اللَّهُ عَنْهَا، وَنَعَتْ لَكَ نَفْسَهَا، وَتَكَشَّفَتْ لَكَ عَنْ مَسَاوِيهَا (ن/ ۳۱).

(ترجمه: پسر! معلومت باد برای آخرت آفریده شده‌ای، نه برای دنیا و برای فنا، نه برای بقا و برای مرگ، نه برای حیات، در منزلی هستی که باید از آن کوچ کنی و جایی که از آن به جای دیگر برسی و خلاصه در راه آخرتی و صید مرگی که گریزنده از آن را نجات نیست و از دست خواهنده‌اش بیرون نرود و ناگزیر او را بیابد. از اینکه مرگ تو را به هنگام گناه دریابد - گناهی که با خود می‌گفتی از آن توبه می‌کنم - بر حذر باش، مرگی که بین تو و توبه‌ات مانع گردد و بدین صورت خود را به هلاکت انداخته باشی. پسر! مرگ را و موقعیتی که ناگهان در آن می‌افتی و بعد از مرگ به آن می‌رسی زیاد به یاد آر تا وقتی مرگت برسد خود را مهیا و دامن همت به کمر زده باشی، مباد که مرگ از راه برسد و تو را مغلوب نماید. از اینکه رغبت دنیاپرستان به دنیا و حرصشان بر متاع اندک آن تو را فریفته کند بر حذر باش، که خداوندت از اوضاع دنیا خبر داده و دنیا هم با احوالاتش تو را از زوال خود آگاه نموده است.) (دشتی، ۱۳۸۴: ۳۷۹)

فرطوسی در ترجمه این سخن امام چنین سروده است:

۱. إِنَّمَا أَنْتَ قَدْ خُلِقْتَ لِالْآخِرَةِ
۲. وَالْآخِرَةُ لَا الْحَيَاةَ خُلُوداً
۳. وَطَرِيقٌ تَسِيرٌ فِيهِ حَيْثُماً
- لا لِلدُّنْيَا مَخْلُوقَةً لِلْبَلَاءِ
- وَالْأَجَلَ الْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ
- إِثْرٌ مَنْ قَدْ مَضَى لِدارِ الْجَزَاءِ

۴. وَطَرِيدٌ لِّلْمَوْتِ لَسْتَ بِنَاجٍ      مِنْ يَدَيْهِ وَإِنْ تَكُنْ فِي وَقَاءِ  
۵. فَحَذَرًا مِنْ أَنْ تَفَاجَأَ فِيهِ      بَعْتُهُ دُونَ عُذَّةٍ وَاحْتِمَاءِ

(۱۹۷۸: ۱۸۲-۱۸۳)

(ترجمه: ۱. تو برای آخرت آفریده شده‌ای، نه مخلوقی برای سختی‌های دنیا. ۲. به سوی مرگ، نه برای زندگی جاودانه در دنیا و به خاطر نابودی نه برای بقا. ۳. مرگ راهی است که تو در آن سریع حرکت می‌کنی و در پی آن به دار مجازات رهسپار می‌شوی. ۴. تو شکاری برای مرگ هستی که نجات‌دهنده‌ای برای نجات از دستان او نداری. ۵. بترس از اینکه مرگ بدون وعده و حمایت غافلگیرانه سراغ تو را گیرد.)

سعدی در چنین مضمونی این‌گونه سروده است:

سرای آخرت آباد کن به حسن عمل      که اعتماد بقا را نشاید این بنیان  
زمین دنیا بوستان زرع آخرت است      چو دست می‌دهدت تخم دوستی بفشان  
بده تا با تو بماند جزای کرده نیک      و گر چنین نکنی از تو بازماند همان

(۱۳۸۹: ۷۳۸)

خانه پر گندم و یک جو نفرستاده به گور      برگ مرگت چو غم برگ زمستانی نیست

(همان: ۷۰۸)

### ۳. نتیجه

تنوع مضامین نهج البلاغه، بسیاری از سخنوران و نویسندگان عرصه ادب فارسی و عربی را بر آن داشته تا در سروده‌های خویش، مضامین موجود در این کتاب ارزشمند را مورد توجه قرار دهند. سعدی و فرطوسی نیز از جمله سخنورانی به شمار می‌روند که با رویکردی ویژه بدین مهم پرداخته‌اند. برآیند این تحقیق، حاکی از آن است که سعدی و فرطوسی به میزان قابل توجهی تحت تأثیر مضامین و محتوای نهج البلاغه‌اند. تکرار بسیاری از مضامین نهج البلاغه در اشعار سعدی و فرطوسی موجب شده است که این مفاهیم و آموزه‌ها بار دیگر در لباس آراسته نظم فارسی و عربی ظاهر شوند. مضامین مشترک اخلاقی، تعلیمی، حکمی و عرفانی در آثار سعدی و فرطوسی و نهج البلاغه بسیار به هم شبیه هستند تا جایی که مخاطب را به شگفتی وامی‌دارد و این شباهت‌ها، نشانه توجه و عنایت این دو شاعر فارس و عرب‌زبان به نهج البلاغه است و همین امر موجب شده تا سعدی و فرطوسی در آثار وزین خود، مجال انعکاس مسائل مختلف علمی، اخلاقی، اجتماعی، عرفانی و... را داشته باشد.

اهمیت سکوت و فضایل آن، پرهیز از مشورت با زنان و افراد فاقد صلاحیت مشورت، پیروی و اطاعت از سنت و

سیره رسول‌الله (ص) و دستورات بزرگان دین، دل‌ن بستن به دنیا به دلیل ناپایداری و گذرا بودن آن، مغلوب نشدن و

پیروی نکردن از نفس آماره و حرص و طمع، کسب علم و حکمت و دانایی، اتخاذ روشی صحیح در تربیت فرزندان، مرگ‌اندیشی و تأمل در زندگی اخروی و مسائلی از این دست، از مضامین و آموزه‌های محوری و اساسی مشترکی است که در آثار سعدی و فرطوسی و نهج البلاغه دیده می‌شود.

اما از نظر تأثیرپذیری فرطوسی و سعدی از نهج البلاغه باید گفت که سعدی از نظر فکری شاعری مستقل است. از آنجا که انسان‌های بزرگ می‌توانند نیت‌های انسانی مشترکی داشته باشند و از سویی آبخور فکری مولا علی (ع) و سعدی قرآن بوده است می‌توان گفت سعدی در برخی مواقع تنها مضامینش با نهج البلاغه مشترک است اما فرطوسی به صورت مستقیم هم مضمون و هم محتوای نهج البلاغه را در اشعارش به کار برده است.

بررسی قربات‌های معنایی و محتوایی موجود در آثار سعدی و فرطوسی و نهج البلاغه، می‌تواند در فهم و درک درست بسیاری از اشعار دشوار و دیرپای این دو شاعر مفید باشد. شایان ذکر است، مضامین مشترک و قربات‌های معنایی در این بین فراوان است و در این مقاله، تنها به بخشی از آن اشاره شد، زیرا اشاره به تمام مواردی که در کلام سعدی و فرطوسی و نهج البلاغه همسویی معنایی و مضمونی دارند، مجال بیشتری را می‌طلبد.

#### ۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) سعدی شیرازی: در میان شاعران ادب فارسی، سعدی گوینده‌ای اخلاق‌گراست، وی در ادبیات تعلیمی، استادی چیره‌دست است. آثار به جای مانده از او از قرن هفتم تا کنون الهام‌بخش بسیاری از گویندگان فارسی‌زبان بوده است. ما در تعریف اخلاق با مجموعه‌ای از باید و نبایدها مواجه هستیم و این باید و نبایدها در کلام سعدی، بسیار به اخلاقیات در کتاب نهج البلاغه شباهت دارد و شاید بدان سبب که آبخور اصلی اندیشه تمام مسلمانان قرآن است؛ و سعدی که خود در گلستان اشاره می‌کند که «همه شب مصحف عزیز دربر دارد» و از سویی دیگر، امام علی (ع) را به سبب اشرافی که بر قرآن دارد، قرآن ناطق می‌نامند این اشتراک آبخور سبب بروز اندیشه‌های همسو بین امام علی (ع) و سعدی گردیده است.

(۲) عبدالمنعم فرطوسی: شیخ عبدالمنعم فرطوسی در سال ۱۹۱۳ در روستایی به نام «رقاصه» از توابع «مجر کبیر» در جنوب عراق به دنیا آمد. فرطوسی در نجف که به محیط دینی با گرایش‌های محافظه‌کارانه مشهور بود، پرورش یافت (ر.ک: الکاتب، ۱۳۸۲: ۳۰۵). عبدالمنعم در سال‌های اولیه زندگی علوم اسلامی و دینی را نزد پدرش آموخت. او برای کسب دانش به سفر می‌پرداخت. در سال ۱۳۷۱ برای زیارت مرقد امام رضا (ع) به ایران آمد و در سال ۱۳۷۶ به حج رفت (ر.ک: الزین، ۱۹۶۵: ۳۵۰). در اواخر دهه هفتاد و در پی بحران سیاسی که عراق شاهدش بود، آنجا را ترک کرد و به لبنان نزد برادرش محمد حسین پیوست. او نه تنها در حوزه علمی، بلکه در زمینه شعر و ادبیات هم شهرت والایی داشت. فرطوسی مجموعه شعری زیبا به نام ملحمة اهل بیت دارد که آکنده از احساسات و عواطف پیرامون اهل بیت و درد و رنج‌هایی است که آن‌ها متحمل شده‌اند.

#### کتابنامه

#### الف: کتاب‌ها

- قرآن کریم (۱۳۹۱)؛ ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور، قم: آوای قرآن.

۱. ابراهیم، امل (۱۴۱۸)؛ الأثر العربي في أدب السعدي، رابطة الثقافة والعلاقات الاسلاميه، الايران.
۲. دشتی، محمد (۱۳۸۴)؛ ترجمه نهج البلاغه، قم: مهر امیرالمؤمنین.
۳. سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۸۱)؛ بوستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ هفتم، تهران: خوارزمی.
۴. ----- (۱۳۷۹)؛ گلستان، با تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ پنجم، تهران: خوارزمی.
۵. فروغی، محمدعلی (۱۳۶۲)؛ کلیات سعدی، تهران: طلوع.
۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)؛ زندگی در پرتو اخلاق، قم: سرور.

### ب: مجلات

۷. اژیبه، تقی؛ خدیجه کریمی و علی صادقی (۱۳۹۳)؛ «تلمیح و تضمین‌های سعدی از نهج البلاغه»، فصلنامه ادبیات دینی، شماره هفتم، صص ۵۳-۶۶
۸. طهماسبی، فریدون (۱۳۹۱)؛ «مضامین اخلاقی در بوستان و مقایسه آن با نهج البلاغه»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال چهارم، شماره شانزدهم، صص ۱۸۹-۲۱۸.
۹. فستق‌ری، حجت‌الله؛ میلاد جعفرپور و محمد جهانبین (۱۳۹۱)؛ «گونه‌های تناص / هم‌متنی در بوستان و گلستان (با تکیه بر شیوه‌های اثرپذیری از نهج البلاغه)»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۵، صص ۱۴۷-۱۶۰.

### ج: پایان‌نامه

۱۰. ملکی، صمد (۱۳۸۱)؛ نصایح و موعظه‌ها و حکومت امام علی (ع) از منظر عبدالمنعم فرطوسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

بحوث في الأدب المقارن (فصلية علمية - محكّمة)

كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي کرمانشاه

السنة السادسة، العدد ٢٣، خريف ١٣٩٥ هـ. ش/ ١٤٣٨ هـ. ق/ ٢٠١٦ م، صص ٤٩-٨٣

### أثر نهج البلاغة في فكرة السّعدى والفرطوسى (دراسة مقارنة)<sup>١</sup>

عليرضا شهريستاني<sup>٢</sup>

طالب الدكتوراه في فرع اللغة الفارسية وآدابها، جامعة الحرة الإسلامية، خرم آباد، إيران

حميد رضا زهرواي<sup>٣</sup>

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة الحرة الإسلامية، خرم آباد، إيران

حجت اله عسگری كاشاننوي<sup>٤</sup>

طالب الدكتوراه في فرع اللغة الفارسية وآدابها، جامعة الحرة الإسلامية، اهر، إيران

#### الملخص

أثر التصوّص الدينيّة من القرآن الكريم ونهج البلاغة للإمام علي (ع) في الأدبين الفارسي والعربي أمر واضح لا غبار عليه. وقد انعكست بصماتها في آثار الشعراء والأدباء لا شك أنّ الكلمات التّيرة التي نطق بها الإمام علي (ع) والتي يجمعها نهج البلاغة في طياته ألهمت الشعراء والكتّاب أكثر من أي كلام آخر سوى القرآن الكريم الذي أوحاه الله على نبيّه محمّد (ص). منذ أن انتشرت كلمات الإمام علي (ع) المنطوية تحت الخطب والرسائل والحكم في الأوساط الأدبية حاول كلّ أديب أو شاعر أن يستقي من معينها الصّافي ومنهلها العذب ويأخذ من نصائح الإمام العالية وتوصياته الثمينة ما يصلح به العيوب الأخلاقية ويصحّح العادات السيئة. تأثر كلّ من سعدي الشّيرازي وفرطوسى بكلمات الامام علي (ع) في نهج البلاغة إلى درجة أنّه بإمكاننا القول إنّ معانيه السّامية شكّلت الهام لدى الشّاعرين.

الكلمات الدلّيلية: الأدب التّعليمي، المضامين الأخلاقية، نهج البلاغة، الفرطوسى، السّعدى الشّيرازي.

تاريخ القبول: ١٤٣٨/٢/١٩

١. تاريخ الوصول: ١٤٣٧/١١/٧

٢. العنوان الإلكتروني: alireza.shahrestany@gmail.com

٣. العنوان الإلكتروني للكاتب المسؤول: hamidzohrei@yahoo.com

٤. العنوان الإلكتروني: asgari.hojjat64@yahoo.com



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتمال جامع علوم انسانی